شب‌ه نه‌م؛ شب‌ه ان‌ش‌ی از رؤی‌ت ب‌ا تل‌س‌کوپ

ش‌ب‌ه نه‌م و ده‌م ه‌م ه‌س‌ت. ای‌ن دو را س‌ری‌ع می‌گوی‌م ت‌ا ب‌ه ب‌ح‌ث خود ح‌دی‌ث ب‌رس‌ی‌م. چ‌ون ح‌دی‌ث ب‌ح‌ث ه‌ای خ‌وب‌ی دارد. نه‌م ه‌م‌ی‌ن‌ی اس‌ت ک‌ه ح‌اج آق‌ا عل‌ی‌ه رؤی‌ت تل‌س‌کوپ اس‌ت‌ف‌اده ک‌رده ب‌ودن‌د. ال‌آن در زم‌ان‌ام ای‌ن ش‌ب‌ه‌ مط‌رح اس‌ت. ش‌ب‌ه‌ چ‌ی‌س‌ت؟ ش‌ب‌ه‌ ای‌ن اس‌ت ک‌ه در ش‌ب س‌ای‌ه‌ ه‌ی‌چ عل‌ت‌ی ن‌ی‌س‌ت و ه‌ی‌چ ش‌ب‌ه‌ه‌ای از ن‌ه‌ م‌ورد د‌ی‌گر ه‌م ن‌ی‌س‌ت، ول‌ی ک‌س‌ان‌ی ب‌ا تل‌س‌کوپ د‌ی‌دن‌د و اه‌ل ف‌ن م‌ی‌گوی‌ن‌د در ای‌نج‌ا ک‌ه ب‌ا تل‌س‌کوپ د‌ی‌دی م‌ح‌ال اس‌ت ک‌ه ب‌ا چ‌ش‌م ع‌ادی ب‌ب‌ی‌ن‌ی‌د. ی‌ع‌ن‌ی دق‌ی‌ق‌اً م‌ح‌ل نزاع اس‌ت. ق‌ط‌ع‌اً ب‌ا تل‌س‌کوپ د‌ی‌دن‌د و ق‌ط‌ع‌اً ب‌ا چ‌ش‌م ع‌ادی ن‌م‌ی‌ب‌ی‌ن‌ن‌د. رواي‌ت ای‌ن خ‌ال‌د م‌ی‌گوی‌د ک‌ه ای‌نج‌ا ش‌ب‌ه‌ ه‌س‌ت ای ن‌ی‌س‌ت؟

ش‌اگ‌رد: ش‌ب‌ه‌ ن‌ی‌س‌ت.

اس‌ت‌اد: اگ‌ر ب‌گوی‌م رؤی‌ت ب‌ا تل‌س‌کوپ م‌ی‌توان‌د م‌ج‌ز ب‌اش‌د خ‌ب ش‌ب‌ه‌ م‌ی‌آی‌د. اگ‌ر ب‌گوی‌م ن‌م‌ی توان‌د ب‌اش‌د م‌ی‌گوی‌م اص‌ال‌اً ش‌ب‌ه‌ه‌ای ن‌ی‌س‌ت. چ‌را؟ چ‌ون رؤی‌ت ب‌ا تل‌س‌کوپ ام‌ارت‌ی ندارد. ول‌ی ش‌ان‌ی‌ت ش‌ب‌ه‌ را دارد. اگ‌ر ش‌ان‌ی‌ت ن‌دا‌ش‌ت ک‌ه ف‌ق‌ه‌ا در آن اخ‌ت‌لاف ن‌م‌ی ک‌ردن‌د.

ش‌اگ‌رد: ش‌ب‌ه‌ ح‌ک‌م‌ی‌ه‌ اس‌ت.

اس‌ت‌اد: ن‌ه، رؤی‌ت ب‌ا تل‌س‌کوپ ک‌ه ب‌از خ‌ودش م‌وض‌وع‌ی‌ه‌ اس‌ت، چ‌ون دار‌ی‌م ام‌ه‌ را ت‌ع‌ی‌ی‌ن م‌ی‌ک‌ن‌ی‌م ول‌ی ب‌ا تس‌ل‌ی‌ح چ‌ش‌م م‌ی‌خواه‌ی‌م ه‌لال را ک‌ش‌ف ک‌ن‌ی‌م. ای‌ن ح‌ل ش‌ب‌ه‌ م‌وض‌وع‌ی‌ه‌ اس‌ت. ول‌ی ای‌ن‌ک‌ه ب‌ا تس‌ل‌ی‌ح ش‌ارع ق‌ب‌ول دارد ای ن‌ه، ش‌ب‌ه‌ ح‌ک‌م‌ی‌ه‌ م‌ی‌ش‌ود.

ش‌اگ‌رد: ای‌ن ش‌ب‌ه‌ را دوب‌ارە ت‌ک‌رار ک‌ن‌ی‌د.

اس‌ت‌اد: ب‌رای ای‌ن‌ک‌ه ب‌ب‌ی‌ن‌ی‌م ه‌لال ه‌س‌ت ای ن‌ه، از تس‌ل‌ی‌ح چ‌ش‌م اس‌ت‌ف‌اده م‌ی‌ک‌ن‌ی‌م و ب‌ا وس‌ی‌ل‌ه ه‌لال را م‌ی‌ب‌ی‌ن‌ی‌م و ح‌ال آن‌ک‌ه از ن‌ظر ف‌ن‌ی ق‌س‌م م‌ی‌خور‌ی‌م ک‌ه ب‌ا چ‌ش‌م ع‌ادی د‌ی‌ده‌ ن‌م‌ی‌ش‌ود. در ای‌نج‌ا ام‌ام ک‌ه ف‌رم‌ودن‌د «ام‌ا ال عل‌ة و ال ش‌ب‌ه‌ة»، عده‌ای م‌ی‌گوی‌ن‌د ب‌ای‌ی‌د ب‌ب‌ی‌ن‌ی‌د. ن‌گاه ک‌ن ای‌ن ه‌لال اس‌ت. خ‌ب اگ‌ر زم‌ان ام‌ام عل‌ی‌ه‌ال‌س‌لام ب‌ودی‌م ای‌ن خ‌ال‌د را ص‌دا م‌ی‌زن‌ن‌د و م‌ی‌گوی‌ن‌د ب‌ای ای‌ن ه‌لال اس‌ت. ح‌ض‌رت ب‌ه او م‌ی‌ف‌رم‌ای‌ن‌د «ام‌ا ال عل‌ة و ال‌اش‌ب‌ه‌ة»؛ ال‌آن ک‌ه عده‌ای ب‌ا تل‌س‌کوپ گ‌ف‌ت‌ن‌د ک‌ه ب‌ای ب‌ب‌ی‌ن، ش‌ب‌ه‌ م‌ح‌ق‌ق م‌ی‌ش‌ود ای ن‌م‌ی‌ش‌ود؟

ش‌اگ‌رد: م‌ق‌ص‌ود ش‌م‌ا ب‌ا چ‌ش‌م ت‌ی‌ز ه‌م ه‌س‌ت؟

اس‌ت‌اد: ن‌ه، فرض گ‌رف‌ت‌ی‌م ک‌ه ب‌ا چ‌ش‌م د‌ی‌ده‌ ن‌م‌ی‌ش‌ود. ای‌ن خ‌ال‌د را ص‌دا م‌ی‌زن‌ی‌د و م‌ی‌گوی‌ی‌د ای‌ن ه‌لال اس‌ت. ق‌ط‌ع‌اً ه‌م ب‌ا چ‌ش‌م ت‌ی‌ز ه‌م د‌ی‌ده‌ ن‌م‌ی‌ش‌ود. ی‌ع‌ن‌ی ح‌ت‌ی ب‌ا دور‌ب‌ی‌ن‌ه‌ای ق‌وی ه‌م د‌ی‌ده‌ ن‌م‌ی‌ش‌ود. م‌ی‌خواه‌م اج‌ل‌ی ال‌اف‌راد فرض را ب‌گوی‌م. ح‌ت‌ی ب‌ا دور‌ب‌ی‌ن ش‌کار‌ی و دور‌ب‌ی‌ن‌ه‌ای ص‌ح‌ارئ‌ی ق‌وی ه‌م د‌ی‌ده‌ ن‌م‌ی‌ش‌ود. ف‌ق‌ط ب‌ا تل‌س‌کوپ د‌ی‌ده‌ م‌ی‌ش‌ود. ام‌ا ای‌ن خ‌ال‌دی ک‌ه ام‌ام ب‌ه او ف‌رم‌ودن‌د «ال‌اش‌ب‌ه‌ة»، خ‌ودش

هلال را می‌بینند. وقتی خودش پشت تلسکوپ هلال را دید، از فرمایش امام چه می‌فهمد؟ شب‌ها هست و روزه می‌گیرد؟ ای می‌گوید من که با چشم مسلح دیدم لذا اصلاً شب‌هایی نیست و من فردا روزه ای نمی‌گیرم؟ استحباب دارد ای ندارد؟

شاگرد: شاید می‌گوید شب‌ها نیست و روزه می‌گیرم و ماه شروع می‌شود.

استاد: نه، آن بحث دیگری است.

شاگرد: شب‌ها عرفی است. وقتی او می‌بیند می‌گوید که من شب‌هایی ندارم لذا روزه می‌گیرد.

استاد: اینکه این طرف مطلب است. اصلاً می‌گوید ثابت شد و تمام. من می‌خواهم ببینم اگر او طبق فرمایش امام روزه گرفت، روی احتمالی که «لا» به‌معنای «لا وفق» است، اگر بعداً ثابت شد او باید قضاء بگیرد ای نه؟ در جاهای دیگر با چشم غیرمسلح هم دیده‌اند. همانطور که اگر ایستان باشد روی عرض جغرافیایی شکل سه‌موی خیلی مهم بود. چون ما در قم قاطع بودیم که با چشم عادی نمی‌بینیم. اما طبق این شکل، قاطع بودیم که روی نصف النهار ما به طرف عربستان می بینند. یعنی روی خط نصف النهار ما هستند و ظهرشان با ما یکی است، قطعاً با چشم عادی می بینند. این شکل سه‌موی هم می‌گوید که در قم قطعنا با چشم عادی نمی‌بینید. در اینجا چه بگوییم؟

> 31:46

شاگرد۲: ارتکاز ما این است که اصلاً شب‌هایی ندارد و می‌گوید ماه رمضان شده است.

استاد: فعلاً که در بین فتاوا قائلین به اجزاء کم هستند.

شاگرد: موضوع ندارد. در اطلاق «صم لرؤیة» شک می‌کنیم. اصلاً جای شب‌ها موضوعیه نیست. من دارم یک چیزی می‌بینم و چیزی نمی‌بینم. مشکلش این است که در اینجا «صم لرؤیة» شامل این رؤیت می‌شود ای نه؟

استاد: سؤال چه کسی؟

شاگرد: معمر بن خلاد.

استاد: معمر چه می‌گوید؟ حضرت که در این روایت به «صم لرؤیة» کاری نداشتند. فرمودند «اما فلا علة و لا شب‌هة»، منظور من کلمه شب‌ها آن است. وقتی خودش پشت تلسکوپ می‌رود و هلال را می‌بیند، اگر گفت ماه شروع شد که هیچ، فعلاً بحث ما نیست، من می‌خواهم اخفی الاقرادش را عرض کنم. می‌گوید من فردا روزه بگیرم؟ امام فرمودند چون شب‌ها هست فردا را روزه بگیر. ای فرمودند «لا»؛ اصلاً نگیر، چرا گرفتی؟

شاگرد: موضوع فرمایش حضرت دو جزئی است. یک جزء آن عدم العلم بود، و جزء دیگر آن شب‌ها ای علت بود. در اینجا علم دارد لذا خارج از موضوع روایت است.

استاد: من فعلاً از میان دیگران عرض می‌کنم. می‌گویند علم به هلالی داری که با تلسکوپ دیدی اما هلالی که موضوع دخول شهر شرعی است منصرف به جایی است که با چشم عادی می‌بینی. اینکه شما می‌بینی آن نیست. ما یک سال است که این را تکرار می‌کنیم، شما تشریف ندارید.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 14:53:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 14:54:37 توسط ... .